

ظهور غیر منتظره‌ی عیسی

متی ۳، ۱۳ تا ۱۷

13 آنگاه عیسی از جلیل به رود اردن آمد تا از یحیی تعمید گیرد. 14 ولی یحیی کوشید او را بازدارد و به او گفت: «منم که باید از تو تعمید بگیرم، و حال تو نزد من می‌آیی؟» 15 عیسی در پاسخ گفت: «بگذار اکنون چنین شود، زیرا شایسته است که ما پارسایی را به کمال تحقق بخشیم.» پس یحیی رضایت داد. 16 چون عیسی تعمید گرفت، بی‌درنگ از آب برآمد. همان‌دم آسمان گشوده شد و او روح خدا را دید که همچون کبوتری فرود آمد و بر وی قرار گرفت. 17 سپس ندایی از آسمان در رسید که «این است پسر محبوبم که از او خشنودم.»



یحیای تعمیددهنده کسی بود که در تمام طول عمرش، بی‌صبرانه منتظر آمدن عیسی بود و خودش را برای پذیرایی کردن از او آماده ساخته بود. او حتی در دیداری که با مریم و عیسی داشت از خوشحالی زیاد در پوست خود نمی‌گنجید. یحیا در طول زندگی‌اش برای عیسی خدمات زیادی انجام داد. او بی‌دلیل روزهای زیادی از عمر خودش را در صحرا نگذارد و یا بی‌جهت از ملخ و عسل صحرایی تغذیه نمی‌کرد. او در آن زمانها نه ترسی از کسی داشت و نه حتی اگر خیلی مورد توجه مردم قرار می‌گرفت اعمال ریاکارانه‌ای انجام می‌داد. ولی او یک بار دچار تردید بزرگی شد و از قضا همان‌روزی که آرزوهایش برآورده شد و دسترنج یک عمر کارش نتیجه داد. روزی که عیسی در برابر او ظاهر شد. نه حتی این یک بار بلکه حاضر بود خودش را بخاطر این امر از دیدگان همه پنهان کند یا به سرزمینی دیگری سفر کند تا کسی او را نبیند. دلیل همه‌ی این شک و تردیدها بخاطر این بود که او تصور این را نمی‌کرد که عیسی همانند افراد دیگر برای انجام غسل تعمید به نزد او بیاید. او انتظار این را داشت که عیسی به شکل یک شعله‌ی آتش بزرگ ظهور کند و تمام هستی به یکباره متحول گشته و صلح جاویدان برقرار شود. حال عیسی چه کرد؟ او به سوی یحیا رفته و از او تقاضا کرد تا او را در آب نه چندان تمیز رود غسل دهد. او می‌خواست به واسطه‌ی یحیا، همانند افراد دیگر غسل ببیند. او به جای اینکه پلیدی و زشتی تمام هستی را نابود سازد خودش را در دستاز یحیا قرار داد تا فرمان و برنامه‌ی خدا به درستی انجام پذیرد. بله، عیسی به روشی ظاهر گردید که یحیا تصور آن را هم نمی‌کرد، حتی امروزه هم انتظار ما از آمدن عیسی به گونه دیگری است. حال توقع ما از آمدن عیسی چه می‌تواند باشد؟ ظهور عیسی در مسیحیت به معنی و مفهوم این است که او برای ما آمده است و خودش را در کنار ما جای داده است. به نظر شما این چه مفهومی می‌تواند برای ما داشته باشد؟ آیا نباید به این اعتراف بکنیم که او غالباً همیشه به شکل دیگری نسبت به آنچه که ما انتظار داریم ظاهر می‌شود؟ ما هم همانند یحیا می‌خواهیم که در بعضی از اوقات خودمان را در جلو عیسی خوب جلوه دهیم، به این دلیل کارهای خوبی انجام می‌دهیم چون فکر می‌کنیم عیسی از آنها خوشحال می‌شود و برای آن به ما پاداش می‌دهد. و وقتی که دچار گناهی می‌شویم توقع داریم که آن اعمال خوب، کمی از بار گناهانمان را کم کند. ولی اینجا طوری دیگر عیسی به فریاد ما می‌رسد؛ آری، عیسی خودش به سوی ما می‌آید و ما را از موقعیت‌هایی که در آن در مانده و ضعیف شده‌ایم نجات می‌دهد. ما انسانها هیچ گاه نخواستیم متقاعد بشویم که ظهور عیسی به شکل متفاوتی رخ داده است. برای همین عیسی بایستی به طریقی به ما راه حقیقی خودش را ثابت کند. به همان روشی که یحیا از آن آگاه شد. عیسی در این باره به او می‌گوید: «ای یحیا، تصور تو از آمدن من کاملاً درست بوده است که من به شکل متفاوتی ظهور خواهم کرد ولی من به شکل شعله‌ی آتش نیامده‌ام و یا به یکباره صلح جهانی را در این دنیا برقرار نکرده‌ام بلکه من آمده‌ام تا خود را در پایین‌ترین سطح ممکن در جایگاه تمام گناهکاران قرار بدهم.» همانطوری که عیسی پدیدار شدنش را به یحیا توضیح می‌دهد، به همان شکل نیز بایستی به ما گوشزد بکند. ای انسان تو می‌خواهی که هر چیزی که در این دنیا وجود دارد یکباره تغییر بکند و به کمال ناب برسد. این انتظارات را از قدیم همه‌ی انسانها با خود داشته‌اند و این چیز تازه‌ای نیست. این انتظار به این معنی است که عیسی بایستی همه‌ی پلیدی‌ها را از روی زمین محو نماید، «بگذار اکنون چنین شود، زیرا شایسته است که ما پارسایی را به کمال تحقق بخشیم. این برای شما انسانها راه سختی است. به این دلیل انسانها اشتیاق خود به خوبی را از دست داده‌اند و همینطور معنای آن را فراموش کرده‌اند. شما در این راه به صورت مداوم دنبال چیزی می‌گردید تا در زندگیتان به شما تسلی بدهد ولی آن را بدست نمی‌آورید. من نمی‌خواهم شما را نا امید کنم و یا به گمراهی بکشانم و یا عدالت جاویدانم را برای شما دست نیافتنی نشاند هم بلکه من قصد دارم آن را به راحتی به شما هدیه بدهم. ولی نه به این معنی که چون به آسانی این عدالت را به شما می‌بخشم، آن خیلی بی‌ارزش است. نه، من به خاطر آن جسم و خونم را داده‌ام و خیلی رنج‌ها را تحمل کرده‌ام. و برای همین دوست دارم که آن را در جایی به شما بدهم که به آن تعلق دارد، یعنی در قلب شما.»

عیسی همیشه به گونه متفاوتی نسبت به آنچه که انتظار داریم در پیش ما ظاهر می‌گردد. ما می‌خواهیم به گناهانمان در برابر عیسی اعتراف بکنیم ولی او خود را به دستاز یحیای تعمیددهنده می‌سپارد تا همانند یک گناهکار غسل داده شود. ما فکر می‌کنیم که همیشه باید خودمان را به او نزدیک کنیم، در صورتی که او دوست دارد خودش در کنار ما قرار گیرد. ما انتظار این را داشتیم که عیسی همانند یک پادشاه زمینی بر روی زمین ظاهر گردد ولی او به عنوان پسر یک خانواده فقیر به سوی رود اردن می‌رود. عیسی خودش نور و زندگی است و همیشه خودش را در جاهای تاریک می‌گذارد. او که خودش زندگی جاویدان است، مرگ همه را به جاز می‌خرد. حال ما انسانها با

خودماز می‌گوییم: «این عیسی نمی‌تواند عیسی موعود باشد، این اصلاً باهم جور در نمی‌آید.» ما انسانها همانند یحیا اغلب میل داریم که دنباله چیزهای متفرقه بگردیم و از اصل موضوع دور شویم و این را از یاد ببریم که عیسی خیلی به ما نزدیک است. ولی عیسی به یحیا حرف‌های بسیار خوبی می‌زند که به او جرات و نیرو می‌دهد که البته پذیرفتن آنها از طرف یحیا نیز واجب می‌بود. عیسی می‌گوید: «بگذار تا سنت خدا انجام پذیرد و از طریق تولد من عدالت ناب برقرار گردد.» عیسی حتی امروزه همین حرف‌ها را برای ما می‌گوید و به ما جرات و نیرو می‌دهد. او به ما نشان می‌دهد که ما در دست‌آورد کاملاً ایمن هستیم و می‌توانیم به او اطمینان کامل داشته باشیم. و او مسیر عدالت جاویدان را برایمان هموار کرده است که آن تنها راهی است که ما می‌توانیم از آن عبور کنیم.

برنامه‌ی خدا در کنار رود اردن ادامه پیدا می‌کند و پسر خدا به تکلیف خود بله می‌گوید و زمانی که خود را به عنوان یک آدم گناهکار در پیشگاه خدای پدر قرار می‌دهد، یک آمین رسا از آسمان شنیده می‌شود و روح خدا به زمین می‌آید و می‌گوید: «این است پسر محبوبم که از او خشنودم.» در این روز برای همه‌ی اشکار می‌گردد که برنامه‌ی خدای پدر برای عیسی چیست. عیسی نبایستی فقط در کنار ما قرار گیرد بلکه او بایستی در این راه ما را همراهی کند. هدف او تنها رفتن به سوی رود اردن و انجام غسل تعمید نیست بلکه رفتن بر روی صلیب. راه او نه فقط به سوی رود کثیف اردن است بلکه مسیر زندگی او تا اعماق گناهانمان ادامه می‌یابد. همانطور که او در آب آن رود کثیف غوطه ور می‌شود، تمام دروغها، ریاکاری‌ها، گناهان و دردهای ما را نیز به جان می‌خرد. او خودش را در ما قرار می‌دهد تا ایمان ضعیف‌مان را قوی سازد و ما را از ناامیدی بیرون آورد. در جاهایی که ما ترس از آینده داریم او آن دلهره را برای ما از بین می‌برد. در زمانی که بیمار و در حال مرگ هستیم او تنها کسی است که به داد ما می‌رسد. خدای بزرگ فقط در این موارد ذکر شده در کنار ما نیست بلکه زمانی که غسل تعمید دریافت می‌کنیم از آسمانها به سوی ما آمده و به ما می‌گوید: «این است پسر محبوبم که از او خشنودم.» این کلام را شاید انسانها نتوانند درک بکنند. ولی او برای تمام بندگان این را می‌سراید. در لحظه‌ی غسل تعمید من با تمام گناهان و ضعف‌هایم در پیشگاه خدا می‌ایستم و از او طلب زندگی جاویدان دارم و او با آغوشی باز به من می‌گوید: «من تو را همانند پسر دوست دارم.» این چه هدیه بزرگی می‌تواند باشد؟ خدا به ما هدیه‌ای بزرگتر از اطمینان خاطر نمی‌تواند بدهد. عیسی در زمان غسل تعمید در ما خانه می‌کند بخاطر همین امر من هم مثل یحیا عمل می‌کنم و دیگر از این هدف دور نمی‌شوم و خودم را پنهان نمی‌کنم بلکه به همان جایی می‌روم که عیسی انتظار دیدار مرا می‌کشد. جایی که عیسی من را همانطوری که هستم می‌پذیرد. و او از من که بسیار ناتوان و در حال مرگ هستم شخصی نیرومند می‌سازد و زندگی جاویدان خود را به من می‌بخشد. زیرا او همه‌ی چیزهای خوب را برای من می‌خواهد. آمین.